



## انهدام کمین دشمن توسط پیروان انقلاب جاذبه در حد اعلاء، دافعه در حد ضرورت

محمدایمانی

و رسانه، دوره‌ای پرخبر و هیاهو را سپری کرده‌اند. اگرچه رقابت‌های سیاسی سالم، نقطه قوت و نشانه پویایی یک نظام مردم‌سالار است؛ اما در عین حال، گاه داغ شدن افراطی این رقابت‌ها؛ به غایت و مقصود سیاست‌ورزی، خدمتگزاری و گره‌گشایی از مشکلات مردم آسیب رسانده است.

جبهه اصولگرایی در این میان چند چالش عمده را پیش رو دارد: ۱. اختلاف سلیقه‌ها یا رقابت‌های درونی ۲- سنگ‌اندازی‌ها و دشمنی‌های بیگانگان با اصل کشور و نظام که متأسفانه با مشی طبیعی افراطی از مدعیان اصلاحات هماهنگ شده است. طبیعی است که نحوه مواجهه با هر یک از این چالش‌ها و مدیریت آن، می‌تواند تأثیرات اساسی در آینده ملت و نظام داشته باشد. قدرت‌های بیگانه و جریان بیگانه و افراطیون مدعی اصلاحات، ناامید از مواجهه و مهار مستقیم اصول‌گرایان، به «اختلاف و رقابت درونی» این جبهه پیروز و مورد اعتماد ملت امید بسته‌اند، به نحوی که در بحبوحه مرحله دوم انتخابات مجلس هشتم شورای اسلامی سایت رسمی دوپچه وله (شبکه رسانه‌ای دولت آلمان) همسوار رسانه‌های آمریکایی، انگلیسی

پس از اکثریت یافتن جریان اصول‌گرا در ترکیب نمایندگان مجلس هشتم؛ اغلب رسانه‌های خارجی (مانند خبرگزاری فرانسه) اذعان کردند که به احتمال قوی دوسوم (۶۵ تا ۷۰) درصد کرسی‌های پارلمان در اختیار اصول‌گرایان خواهد ماند و سهم اصلاح‌طلبان، حدود ۵۰ تا ۶۰ کرسی (۱۵ تا ۲۰ درصد) خواهد بود. در این میان ۱۵ تا ۲۰ درصد منتخبان هم منفرد هستند که احتمال دارد با توجه به سوابق گرایشی و تحولات آینده، جذب سایر طیف‌ها شوند یا به صورت انفرادی به فعالیت ادامه دهند.

طی هفت سال گذشته این ششمین اقبال و اعتماد ملت به جریان اصولگرایی در فرآیند انتخابات است و با توجه به این شش اعتماد (دو انتخابات مجلس، دو انتخابات شوراها، انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات خبرگان) می‌توان گفت که باوری عمیق و ریشه‌دار، مردم را به این رای اعتماد ترغیب نموده و نشان می‌دهد مردم برخلاف تبلیغات و دشمنی‌های گسترده، به عزم و کفایت اصول‌گرایان امیدوارند.

البته ملاحظه دیگری را هم نباید از نظر دور داشت که حوزه سیاست

و فرانسوی، با اذعان به اکثریت یافتن اصولگرایان در مجلس جدید، به القای چند دستگی در میان جریان پیروز پرداخت و در عین حال نوشت: «اصلاح‌طلبان بیش از آن که بر شانس نیروهای خودی امیدوار باشند، به شکاف در میان غیر خودی‌ها چشم دوخته‌اند. یک عضو شورای سردبیری روزنامه کارگزاران می‌گوید: اصلاح‌طلبان با پیش‌بینی اختلاف‌ها می‌توانند در مجلس به عنوان یک اقلیت، با آرای کلیدی خود در جهت برهم زدن توازن نیروها به نفع جریان عقلانی عمل کنند.»

سیاست تفرقه‌افکنی و ایجاد یا تعمیق اختلاف، امروز در دستور کار جریان رسانه‌ای دشمن و دنباله‌های داخلی آنها قرار گرفته است تا مگر شیرینی رای و انتخاب را در کام ملت تلخ کنند و اصولگرایان را در دور باطل درگیری از درون، اصطکاک و فرصت‌سوزی، غفلت از چالش‌ها و نهایتاً شکست از درون گرفتار نمایند. این ترفند کهنه، با امیزه‌های از تدابیر و روش‌های کهنه و نو به شدت در دستور کار است و متقابلاً این پرسش را به پیش می‌کشد که «چه باید کرد؟»

نزدیک شدن به پاسخ این سؤال مهم، مستلزم عنایت به چند نکته است:

۱- ندیدن دشمنی‌ها و شیطنت‌ها و باقی ماندن در اختلاف‌نظرها - هر قدر هم که موضوعیت و اهمیت داشته باشند - همان قدر خطرآفرین است که ندیدن و انکار این تنوع سلیقه‌ها و گرایش‌ها. پرتنگ نمودن تنوع‌ها و لاینحل کردن اختلاف سلیقه‌ها، در کنار انکار و نپذیرفتن آنها، دو لبه یک قیچی برای زدن ریشه‌های همدلی و هماهنگی هستند. باید به مدلی از تعامل رسید که در آن، ضمن ارائه تعریفی «جامع» و «مانع» از اصولگرایی، بتوان همدیگر را با طراز «وحدت در اصول» و «تنوع در فروع» پذیرفت، مانند نسبت انگشتان با یک دست. تک‌تک انگشت‌ها را هرگز نمی‌توان «دست» نامید، همچنان که دست بدون شمارش آن پنج انگشت مفهوم پیدا نمی‌کند. این پنج انگشت قطعاً متفاوت و متمایزند، اما هرگز معارض و مزاحم و منافی هم نیستند، بلکه به یک ریشه و اراده واحد باز می‌گردند و هم‌آهنگ با هم عمل می‌کنند. «در کنار رعایت تقوا، لازمه هماهنگی و وحدت در عین کثرت، با هم سخن گفتن و همدیگر را فهمیدن است، نه فقط خطابه ایراد کردن و از خویش گفتن و خود را دیدن و ستودن. می‌توان با هم اختلاف سلیقه و حتی رقابت سالم - تا حدی که به دشمنی نکشد یا دشمن را امیدوار نسازد - داشت، اما در عین سعه صدر و تحمل و مفاهمه و نه انکار و تخطئه و سرزنش هم در جلوت و از پشت رسانه‌های نامحرم. اصولگرایان باید مکانیزم‌هایی طراحی کنند که طی آن بتوانند بی‌حضور نامحرمان و تبلیغاتچی‌های آنها با هم - نه برای خود - بگویند و بشنوند و بیاندیشند و فاصله‌های ذهنی یا عینی را کم کنند. مکمل این گفت و شنود البته، نفی خودرأیی و تکبر و استبداد رای است که بدون تذلل و فروتنی و حسن‌ظن فراهم نمی‌آید. در چنین فرآیندی، باید به تدریج به مدل‌ها و برنامه‌ها رسید و نقد سالم را نهادینه کرد. بدون مهندسی نقد و بها دادن به آن، باید منتظر سوءتدبیر و تباهی بود که مولای متقیان فرمود: «خودرای هلاک شد و آن که با مردمان مشورت نمود، در عقل‌های آنان شریک گردید.»

۲- «مانعیت» و دافعه؛ شرط لازم اصولگرایی در کنار جامعیت

است، اینکه با همه سعه‌صدرها و فروتنی‌ها و مهرورزی‌ها، نباید گذاشت مرزهای اصولی با دشمنان مترصد (اباحه مسلکان و معارضان با اصول و آرمان‌ها) کم‌رنگ شود و امکان تردد عوامل دشمن، نفوذی‌ها و «چهره‌های حائل» آنها فراهم آید. شواهد فراوان، دلالت قطعی بر این امر دارد که بخش مهمی از اختلاف‌های داخلی اصولگرایان، یا «ریشه» در غفلت از کم‌رنگ شدن این مرزها دارد و یا با این غفلت، امکان تشدید و تعمیق پیدا می‌کند. اینکه اصولگرایی با رسانه‌های کینه‌توزترین جریان دشمنی و نفاق درد دل کنند و از این طریق سبک شوند یا با عناصر سیاسی و اجرایی و رسانه‌های آنها - به دلایل مختلف - تعامل و تفاهم کنند، خطایی استراتژیک و برضد اصول است.

غفلت از تحریم جریان‌های معارض یا منافع به شهادت تاریخ، آغاز بسیاری از فجایع و شکست‌های غیرمترقبه بوده است. اگر نقدی یا گله و شکایتی نسبت به هم هست، این را نباید از پشت بلندگوی جریان‌های مغرض و معاند مطرح کرد و به آنها اجازه داد تا با استحاله فضای ضروری نقد، بذر کینه و بددلی و انشقاق و انحلال درونی را در میان اصولگرایان بپاشند. می‌توان نامزد انتخابات ریاست جمهوری و هیئت رئیسه مجلس و... بود یا با طرح و لایحه و عملکردی مخالف کرد، اما نه به قیمت افتادن از اصل و اویزان شدن و گرفتار ماندن در حواشی و فروع، که به تعبیر امیرمومنان(ع)، رها کردن ریشه‌ها و چسبیدن به شاخه‌ها و فروع، کجی و انحراف و شکست را به همراه می‌آورد.

جریان‌های معارضی که به دلایل گوناگون دل خوشی از حاکمیت اصولگرایی ندارند، روی کم‌ظرفیتی، تک‌روی، خودبرتربینی، دهن‌بینی و ضعف‌های روحی و عاطفی دیگر در هر شخصیتی، حساب باز می‌کنند. این ضعف‌ها را باید شناخت و رفع کرد. از خود متشکر بودن و از کمین‌ها غافل شدن، گشودن سپر امان و امنیت از خویش است. این همان کلام حکیمانه علی بن ابی‌طالب (ع) است که درباره منافقین فرمود: «شما را ای بندگان خدا، به تقوای الهی و پرهیز از اهل نفاق سفارش می‌کنم که آنها گمراه‌اند و گمراه کننده، دچار لغزشند و به لغزش می‌افکنند. دائم رنگ عوض می‌کنند و به حالات گوناگون ظاهر می‌گردند... در هر کمینگاهی به کمینند... پنهان مشی می‌کنند... و صفشان داروست و گفتارشان شفا و رفتارشان درد بی‌درمان. به آسایش شما حسادت می‌برند و بر گرفتاری و بلا می‌افزایند. امید را ناامید می‌سازند. در هر راهی، گروهی را زمین زده اند و به هر دلی، راهی دارند و در هر غمی، اشکی آماده ریختن. به هم ستایش و ثنا قرض می‌دهند و منتظر پاداشند. اگر بخواهند، اصرار ورزند و اگر سرزنش نمایند، پرده‌ری کنند... برای هر حقی، باطلی آماده دارند و برای هر راستی، کجی‌ای... برای هر دری کلیدی دارند. برای رسیدن به مطامع، اظهار بی‌رغبتی و بی‌نیازی می‌کنند تا بازارشان را به پا دارند و متاع خود را بفروشند... راه تنگ باطل را آسان جلوه می‌دهند و راه حق (خروج از ضلالت) را کج و ناهموار می‌نمایانند. آنها یاران شیطان و زبانه‌های آتشند. آنها حزب شیطانند و بدانید که حزب شیطان، زیانکارانند.» (خطبه ۱۹۴ نهج البلاغه)